



رابطه ترکیه و اسرائیل به سمت منطق «حاصل جمع صفر» میل پیدا کرده است

آنکارا-تل آویو در مارپیچ تنش؟

رابطه ترکیه و رژیم صهیونیستی در حال عزیمت به یک نقطه بی بازگشت است؟ تحولات خاورمیانه در پساھفت اکتبر و بخصوص طی یکسال گذشته الگوی روابط آنکارا-تل آویو را از همکاری به رقابت و سپس به خصومت تغییر داده است. پس از اتفاقات سوریه و سقوط دولت بشار اسد، شام به میدانی برای تقابل فرآینده اردوغان و نتانیاهو تبدیل شد، دو بازیگری که در سوریه سیاست‌های حداکثری و توسعه طلبانه را دنبال کرده و حاضر به واگذاری نقش خود در این کشور نیستند. حملات بی‌امان ارتش اشغالگر به زیرساخت‌های سوریه، تحرکات اسرائیل برای تغییر ژئوپلیتیکی سوریه با نقش آفرینی در سوید، رقابت ترکیه و رژیم صهیونیستی را به منطق «حاصل جمع صفر» سوق داد و این دو بازیگر را تا مرز باریک درگیری رساند. در چنین شرایطی غزه و قبرس، دو میدان جدید تعریف شده‌ای هستند که اسرائیل و ترکیه تلاش می‌کنند با استفاده از اهرم ژئوپلیتیکی آنها،

همدیگر را تحت فشار قرار دهند. ترکیه از طریق تلاش‌های خود برای نقش آفرینی در طرح صلح ترامپ و نزدیک شدن به حماس، تحت عنوان نیروی تثبیت کننده صلح در فلسطین جای پای خود را در نزدیکی مرزهای اشغالی محکم می‌کند. در سوی دیگر، رژیم صهیونیستی با راهبرد جدید خود که حضور در قبرس است، مرزهای ترکیه را تحت تأثیر قرار داده است. تحلیلی که در روزنامه قبرسی-یونانی «سایپروس میل» منتشر شده، نگرانی‌های قابل توجهی را در مورد گسترش حضور نظامی و اقتصادی اسرائیل در قبرس مطرح کرده و هشدار داده است که این جزیره در معرض خطر درگیر شدن در درگیری‌های منطقه‌ای گسترده‌تر قرار دارد. این ارزیابی با اشاره به نگرانی‌های موجود ترکیه در مورد مواضع سازش‌ناپذیر قبرسی-یونانی و حضور منطقه‌ای رو به رشد اسرائیل، این سؤال را مطرح می‌کند که آیا اسرائیل نماینده متحدی است که دولت قبرسی-یونانی در نظر دارد، یا در درجه اول به دنبال جای پای استراتژیک در مدیترانه شرقی است. المانیتور در گزارشی به بررسی تلاش‌های آنکارا برای نفوذ در آینده غزه و موانعی که در این راه وجود دارد پرداخته است.

آتش بس تلاش کرده است.

بعید است که اسرائیل نقش قابل توجهی در غزه را تأیید کند، زیرا آنکارا فضای کمی برای نرم کردن موضع خود در قبال بنیامین نتانیاهو دارد. با این حال، ترکیه آماده است تا از طریق ارسال کمک و تعامل سیاسی با حماس، حضور خود را گسترش دهد- مسیری که احتمالا با عمیق‌تر شدن بی‌اعتمادی، به اصطکاک میان تل آویو-آنکارا دامن خواهد زد. ماه گذشته، ترکیه یک تیم جست‌وجو و نجات را به امید ورود به غزه برای کمک

در گفت و گو با آرشین ادیب مقدم مطرح شد

روایت‌های متقاطع ایران و غرب

دکتر آرشین ادیب‌مقدم استاد اندیشه جهانی و فلسفه‌های تطبیقی در دانشگاه SOAS لندن است. ادیب‌مقدم در گفت‌وگویی با عسگر قهرمانپور سردبیر روزنامه انگلیسی‌زبان ایران تحت‌تأثیر روایت‌های شکل گرفته از ایران در غرب و متقابلاً

برداشت‌های ایرانی از جهان غرب پاسخ داده است. او در این گفت‌وگو، با نقد تصویر قالبی و سیاسی‌شده ایران در رسانه‌ها و محافل دانشگاهی غرب، بر ضرورت بازسازی پل‌های فرهنگی و گفتمانی میان دو جهان تأکید می‌کند. ادیب‌مقدم آثار متعددی درباره هویت، ناسیونالیسم و سیاست در خاورمیانه نوشته است. به باور او، اگر نسل‌های جوان تر بتوانند با واقعیت‌های این شکاف آشنا شوند، زمینه برای گفت‌وگویی متوازن‌تر میان ایران و غرب فراهم خواهد شد.

تا چه اندازه باور دارید برداشت‌های غرب از جامعه ایران بر پایه درک واقعی فرهنگی و تاریخی است، و تا چه اندازه تحت‌تأثیر روایت‌های سیاسی

امنیت محور شکل گرفته است؟

من ابتدا باید بگویم که در واقع چیزی به نام «روایت منسجم غربی» از ایران وجود ندارد. بازتابی‌هایی وجود دارد که نه‌تنها با یکدیگر متفاوت‌اند، بلکه گاه کاملاً متناقض‌اند. هر چه به کانون‌های حقیقت نزدیک‌تر شویم- یعنی شاعران، هنرمندان و روشنفکران- تصویر ایران واقعی‌تر می‌شود. اما هر چه به مراکز قدرت‌تر (غرب، بویژه دولت‌ها و نیز اندیشکده‌های مشکوکی که در خدمت دستورکارهای ایدئولوژیک‌اند، نزدیک‌تر شویم، روایت‌ها آلوده‌تر می‌شوند. با این حال، من افرادی را هم دیده‌ام که درون ساختار دولت بوده‌اند ولی درک عمیقی از ایران در تمام ابعاد آن داشته‌اند. برای نمونه، «جک استراو» وزیر خارجه پیشین بریتانیا و نیز روزنامه‌نگاران بینش‌مند بسیاری که با آنها در تماس بوده‌ام، مانند «جان استون» (لبنیدی ویلسام، یا «مازخ علی» در نروژ.

چرا ایران در گفتمان‌های دانشگاهی و رسانه‌ای غرب، اغلب از دریچه تهدید، انقلاب یا ایدئولوژی بازتابی می‌شود، نه به‌عنوان جامعه‌ای پیچیده و متنوع

با پویایی‌های فرهنگی غنی؟

ما مجموعه‌ای از پژوهشگران برجسته در حوزه مطالعات ایران داریم که عمر خود را صرف چانه‌زنی‌های دیپلماتیک و تلاش برای تبدیل شدن به یک «بازمنشی» برای غرب کرده‌اند. این گروه به جای آنکه به دنبال درک واقعی‌تر از ایران باشند، ترجیح می‌دهند با روایت‌های ساده‌سازی شده و کلیشه‌ای، تصویری از ایران ارائه دهند که به نفع منافع غرب باشد. این رویکرد، نه تنها به ایران آسیب می‌رساند، بلکه به درک واقعی‌تر از این کشور مانع می‌شود. ما نیاز داریم به یک رویکردی که بتواند ایران را به مثابه یک جامعه پیچیده و متنوع ببیند، نه صرفاً یک بازیگر در بازی قدرت.

در عصر جهانی شدن دیجیتال و رسانه‌های اجتماعی، آیا روایت غرب از ایران از چهارچوب جنگ سرد فراتر می‌رود؟



رفته، یا هنوز با زتاب الگوهای کهنه دیگری ساز» و تقابل است؟

در هر روایت متمرکزی، همیشه وجه در روایت شرقی. این دیان سبب است که «خود» غربی یا شرقی مفهومی نسبی است که تنها در تقابل با دیگری دوبتایی معنا پیدا می‌کند. در سنت فکری ایرانی-اسلامی، بویژه در فلسفه فارابی و ابن سینا و در شعر خیام، سعدی و مولوی، ما به دستگاه دانشی عمیق و انسانی دسترسی داریم که از دوگانگی‌ها فراتر می‌رود. این جنبه فکری شگرف می‌تواند ابزاری نیرومند برای مقابله با دوگانه‌سازی‌های فرهنگی و اجتماعی باشد و تاکنون کمتر از آن برای سیاست فرهنگی فراگیر و مثبت بهره گرفته شده است.

در گفتمان ایرانی، روایت‌های متعددی درباره «غرب» وجود دارد- از دیدگاه‌های ضدامپریالیستی تا خوانش‌های مدرن‌گرا. به‌نظر شما کدام یک به درک متعادل‌تر و واقع‌بینانه‌تری نزدیک‌تر است؟

بازتابی ایران در داخل کشور همواره کارکردی سیاسی داشته؛ بنابراین، موضوع ما- ایران باشکوه- از چهارچوبی که بر آن اعمال شده می‌گریزد، تا توان مردم برای دیدن جهان فراتر از مء مصنوعی محدودکننده را باز یابد. به همین دلیل است که بسیاری از جوانان نسل جدید در ایران باور دارند «غرب» نوعی پارک تفریحی دزدنی‌لند است که در آن همه شاد و راضی‌اند؛ تصویری که از طریق شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای منتقل می‌شود و هیچ نسبی واقعیت ندارد. این تصویر، به‌عنوان بخشی از آن، تنها از رهگذر علوم اجتماعی و انسانی آزاد، رسانه آزاد، و آزادی دیدن بدون محدودیت حاصل می‌شود. در آن صورت، روایت اصلی ایران از

ورود آمریکا به مناقشه دورقیب

به گفته یک منبع آگاه، با میانجیگری آمریکا، تنش‌های ناشی از نقش فرآینده ترکیه در غزه احتمالاً مهار خواهد شد. فیدان پس از دیدار روز دوشنبه در کاخ سفید گفت که «بسیاری از مسائل مربوط به پرونده فلسطین را به تفصیل با استیو ویتکاف، فرستاده ترامپ به خاورمیانه و تام پارک مورد بحث قرار داده است.» یک منبع به المانیتور گفت که دولت ترامپ با جدیت تمام تلاش می‌کند بی‌اعتمادی عمیق بین ترکیه و اسرائیل را از بین ببرد. به باور این منبع، بعید است میانجیگری ایالات متحده در کوتاه مدت موافقت اسرائیل را برای استقرار نیروهای ترکیه جلب کند، اما می‌تواند به مدیریت اختلافات کمک کند. این منبع گفت مقامات آمریکایی «هرکاری از دستان برپایاد با هر دو طرف انجام می‌دهند تا اطمینان حاصل شود که محدودیت‌هایی» برای خصومت‌ها وجود دارد.

کرده است.

گیدئون ساعر، وزیر خارجه رژیم اسرائیل، در ۲۷ اکتبر گفت: «کشورهایی که می‌خواهند یا آماده اعزام نیروهای مسلح هستند، باید حداقل با اسرائیل منصف باشند.»

مایکل هراری، سفیر بانزشسته اسرائیل به المانیتور گفت: «بعید است اسرائیل از اعتراض خود به دخالت ترکیه در غزه عقب‌نشینی کند.»

حراری گفت اسرائیل نگران است که نقش ترکیه در غزه آنکارا اجازه دهد تا بر دولت آینده غزه تأثیر گذاشته و روابط اسرائیل و فلسطین را شکل دهد.

تنش‌ها در ۷ نوامبر، زمانی که دادستان کل استانبول حکم بازداشت نتانیاهو و ۳۶ مقام ارشد اسرائیلی را به اتهام نسل‌کشی در غزه صادر کرد، دوباره شعله‌ور شد. این احکام نمادین، تکرار احکامی است که پس از حمله به کشتی مای مرمره در سال ۲۰۰۷ صادر شد و نشان می‌دهد که موضع کنونی ترکیه جایی برای تماس دیپلماتیک باقی نمی‌گذارد.

وزیر دفاع اسرائیل، یسرئیل کاتز، در تاریخ ۹ نوامبر در پلنفرم ایکس نوشت: «این احکام بازداشت مسخره را بر دارید و از اینجا کم شوید. شما فقط می‌توانید غزه را از طریق دوربین دوچشمی ببینید.»

گالیا لیدن‌اشتراوس از مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل گفت که این احکام که با هدف منزوی کردن نتانیاهو صادر شده‌اند، مخالفت اسرائیل با مشارکت ترکیه در نیروی ایجاد ثبات را تشدید کرده‌اند. او افزود: «مشخص نیست که آیا دولت ترامپ می‌تواند اسرائیل را مجبور به تغییر نظر خود کند یا خیر.»

فضای اندک برای انعطاف پذیری

هرگونه تغییر در موضع ترکیه در قبال اسرائیل به انتظارات داخلی محدود می‌شود. پایگاه اسلام‌گرای اردوغان خواستار سرسختی است و احزاب مخالف چپ‌گرا، دولت را به عدم مقابله با اسرائیل به دلیل رفتارش در غزه متهم می‌کنند.

منبع: AI Monitor



بسیاری از جوانان نسل جدید در ایران باور دارند «غرب» نوعی پارک تفریحی دزدنی‌لند است که در آن همه شاد و راضی‌اند؛ تصویری که از طریق شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای منتقل می‌شود و هیچ نسبی واقعیت ندارد. این تصویر، به‌عنوان بخشی از آن، تنها از رهگذر علوم اجتماعی و انسانی آزاد، رسانه آزاد، و آزادی دیدن بدون محدودیت حاصل می‌شود. در آن صورت، روایت اصلی ایران از

سوی خود ایرانیان در داخل کشور ارائه خواهد شد.

آیا جامعه معاصر ایران هنوز غرب را بیشتر به‌عنوان الگوی پیشرفت می‌بیند یا بیشتر به‌عنوان چالشی فرهنگی و اخلاقی؟

واقعیت آن است که خود ایران بخشی از «غرب‌زمین» است و از زمان «هرودوت»، ایران نقشی محوری در تخیل و تصور غرب داشته است. بااین حال، تحلیل هویت‌ها باید دیالکتیکی باشد؛ کافی نیست تنها به میراث غربی عمیق ایران اشاره کنیم، بلکه باید اثرگذاری پارسی بر غرب را نیز بازشناسی کنیم. ایران (یا پارس) عاملی سازنده در شکل‌گیری «خود غربی» بوده است. جریان‌های نوینی چون «تاریخ جهانی» و «تفکر جهانی» به این پیوندهای فراگیر میان ملت‌ها اشاره دارند و تاریخ‌هایی می‌نویسند که بر ارتباطات تأکید دارند، نه بر دوگانگی‌ها. این رویکرد به خوبی با



از دیدگاه نظری، تا چه اندازه سیاست و جامعه در روابط بین‌الملل از یکدیگر متمایزند؟ در نهایت، چه کسی قدرت بازسازی برداشت‌ها را در اختیار دارد؟ این پرسش‌ها به مسأله دیرپای رابطه «ساختار و عاملیت» مربوط می‌شوند. آیا ما صرفاً تابع نظام‌های سیاسی و اقتصادی هستیم، یا می‌توانیم آزادانه را داریم؟ آیا می‌توانیم آزادی خود را به‌عنوان افراد بالفعل کنیم؟ حقیقت در میانه این دو قرار دارد، زیرا ساختار و عاملیت همواره در رابطه‌ای دیالکتیکی‌اند: ما هم از نظام‌ها شکل می‌گیریم و هم نظام‌ها را شکل می‌دهیم. مسئولیت هر فرد آن است که آزادی خود را تا حد امکان فراتر از وضعیت تثبیت‌شده نظامی گسترش دهد. پرورش ذهن و بدن- چنان‌که پهلوانان ایرانی در زورخانه انجام می‌دادند- می‌تواند سپری در برابر جدب و تسلیم‌شدن در برابر نظام‌های ناعادلانه بین‌المللی باشد. این تمرینی روزمره است برای آنکه بیاموزی در جامعه آزاد بیندیشی و آزاد عمل کنی؛ و این همان پیش‌زمینه همه آن چیزهایی است که با انسان بودن پیوند دارد: از معنویت تا عدالت سیاسی.



بسیاری از جوانان نسل جدید در ایران باور دارند «غرب» نوعی پارک تفریحی دزدنی‌لند است که در آن همه شاد و راضی‌اند؛ تصویری که از طریق شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای منتقل می‌شود و هیچ نسبی واقعیت ندارد. این تصویر، به‌عنوان بخشی از آن، تنها از رهگذر علوم اجتماعی و انسانی آزاد، رسانه آزاد، و آزادی دیدن بدون محدودیت حاصل می‌شود. در آن صورت، روایت اصلی ایران از

A History of the Modern Middle East

تاریخ خاورمیانه مدرن (۲۲)

ولیم کیولند ترجمه: عسگر قهرمانپور

نیروی پیاده‌نظام بنی چری

دو شاخه اصلی قوای مسلح عثمانی از ریشه‌هایی کاملاً متفاوت شکل گرفته بودند. برجسته‌ترین و کارآمدترین یگان نظامی این امپراطوری، نیروی پیاده‌نظام دائمی و حرفه‌ای موسوم به «بنی چری» بود؛ سپاهی برده‌زاد که در اوج اقتدارش در سده‌های پانزدهم و شانزدهم، نام‌آورترین واحد رزمی سراسر اروپا به شمار می‌آمد. بنی چریان به دلیل انضباط آهنین، روحیه استوار و حرفه‌ای‌گری مثال‌زدنی شهرت داشتند. آنان حقوقی معین و منظم دریافت می‌کردند و همواره در آمادگی کامل برای خدمت نظامی بودند. قانون آنان را از ازدواج و ورود به حرفه بازگانی منع می‌کرد و را پادگان‌ها اسکان داده می‌شدند. در روزگاری که شمشیر در نیام و توپ بر چرخ آرام می‌گرفت، این سپاهیان بارها برای پاسداری از نظم و قانون به دورترین نقاط قلمرو اعزام می‌شدند. در عهد پادشاهی سلیمان قانونی، شمار بنی چریان به نزدیک چهل هزار نفر رسید و این نیروی پیاده‌نظام با گسترش توان رزمی خود، واحدهایی ماهر در به‌کارگیری توپخانه را نیز دربرگرفت.

سواره‌نظام سپاهی

بخش عمده قوای عثمانی را سواران ایالتی، موسوم به «سپاهیان» و همراهان جنگی آنان تشکیل می‌دادند. اینان که همگی مسلمانان آزاد بودند، دو وظیفه هم‌زمان بر عهده داشتند: یکی اداری و دیگری نظامی. برای حفظ ارتشی انبوه بدون فشار سنگین بر خزانه، سلاطین حق بهره‌برداری از عواید اراضی کشاورزی، موسوم به «نیمار» را به سپاهیان واگذار می‌کردند. هر سپاهی تیماری ویژه داشت و مجاز بود مالیات‌های آن را که به‌عنوان موجب وی محسوب می‌شد، جمع‌آوری کند. در برابر این امتیاز، موظف بود نظم و امنیت منطقه خود را حفظ کند، هنگام احضار در صفوف لشکر حاضر شود و بر اساس وسعت درآمدش، شماری از سواران مسلح را همراه بیاورد. این شیوه بیشتر در ایالات اروپایی و آناتولی رواج داشت و در سرزمین‌های عربی معمول نبود.

دستگاه اداری

به‌عنوان دولتی متمرکز و مقتدر، امپراطوری عثمانی به دیوان‌سالاری گسترده و پیچیده شهرت داشت. این دستگاه عظیم، ریشه در آمیزه‌ای از سنن اداری بیزانسی، ایرانی و عربی داشت و ساختاری ویژه و متمایز ایجاد کرده بود؛ ساختاری که در آن لشکری از نویسندگان و دبیران، با دقتی ستودنی، سرشاری‌ها را ثبت می‌کردند، حساب‌های خزانه را می‌نگاشتند، انتصاب‌های رسمی را ضبط می‌کردند و قوانین و مقررات دولت را محفوظ می‌داشتند. بیشتر مدیران بلندپایه از طریق نظام دوشیمره به خدمت فراخوانده می‌شدند، در حالی که کارمندان میان‌رتبه مسلمانان آزادی بودند که در طول خدمت، آموزش‌های عملی را به شاگردان کارآموزده در وزارتخانه‌های گوناگون فرا می‌گرفتند. این کارگزاران، ستون‌های پنهان قصر دیوان، نقش خطیری در کارآمدی و انتظام امور دولت ایفا می‌کردند.

نهادهایی

در کنار نخبان دیوانسالار و سپاهی، علمای دین سومین ستون استوار طبقه حاکمه عثمانی را تشکیل می‌دادند. بر پایه روحیه «غازی» همان شور و انگیزه‌ای که از اولین سال‌های جهاد مرزی علیه بیزانس، سلاطین و مجاهدان عثمانی را الهام می‌بخشید. پادشاهان این دولت جایگاهی بس رفیع برای اهل علم و شرع قائل بودند.

خبر

نتانیاهو و کاتس:

همچنان با تشکیل کشور فلسطین مخالفیم

نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی مجدداً مخالفت خود را با تشکیل کشور فلسطین اعلام کرد.

«بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی روز یکشنبه در جلسه کابینه گفت: «منطقه‌ای که حماس در غزه کنترل آن را در دست دارد خلع سلاح خواهد شد و این مسأله یا به راحتی یا به سختی اتفاق خواهد افتاد.» طبق گزارش الجزیره، نتانیاهو گفت: «ما همچنان با تشکیل کشور فلسطین در منطقه غرب رود اردن مخالف هستیم و موضع ما به هیچ وجه تغییر نکرده است.»

درحالی که کرانه باختری هر روز شاهد تجاوزات شه‌رکنشینان صهیونیست با حمایت پلیس رژیم صهیونیستی است، نتانیاهو گفت: «ما با اقدامات آشوبگرانه علیه مسئولان منتخب توسط تعداد بسیار اندکی که نماینده تمام جرییدی نیستند، مخالف هستیم. اقلیتی که نماینده شه‌رک‌نشینان نیستند، دست به اقدامات آشوبگرانه در کرانه باختری زدن و ما با آشوب چه علیه سربازان ارتش و چه فلسطینی‌ها مخالف هستیم.»



همچنین پیش از این «گیدئون ساعر» وزیر خارجه رژیم صهیونیستی گفت: «ما هرگز تشکیل کشور فلسطینی در مرکز اسرائیل و در مسافت صفر با ساکنان خود را نمی‌پذیریم.» پیش از این «یسرئیل کاتس» وزیر جنگ رژیم صهیونیستی نیز مدعی شده بود که غزه خلع سلاح خواهد شد. وی گفت که سیاست رژیم صهیونیستی واضح است و اجازه تشکیل کشور فلسطین را نمی‌دهد.

به گزارش الجزیره، مقامات اسرائیلی نگرانی خود را در مورد آنچه که آنها نزدیکی بین دولت ایالات متحده و جنبش مقاومت اسلامی (حماس) می‌نامند، ابراز کرده‌اند. ویسایت صهیونیستی اولا به نقل از مقامات این رژیم نوشت که نزدیکی استیو ویتکوف، فرستاده ویژه آمریکا در امور خاورمیانه، با حماس «نگران‌کننده» است.

نیویورک تایمز به نقل از دو منبع آگاه گزارش داد که ویتکوف قصد دارد به‌زودی با خلیل الحیه از رهبران ارشد حماس دیدار کند.

در همین راستا، یسرئیل کاتس، وزیر دفاع رژیم تهدید کرد که نواح غزه تا آخرین توئل خلع سلاح خواهد شد. او طی پستی در پلتفرم ایکس نوشت که سیاست اسرائیل واضح است: «هیچ کشور فلسطینی وجود نخواهد داشت.»